

آراء، اخبار، نامه‌ها و...



در این شماره از ماهنامه نیز از میان آراء و اخبار و نیز اقدامات گوناگون و مهمی که توسط هیأت مدیره کانون صورت گرفته است و در نامه‌ها و مکاتبات و... منعکس می‌باشد تعدادی انتخاب و به منظور آگاهی سران محترم دفاتر اسناد رسمی و دیگر مخاطبان از آن در پی درج می‌گردد؛ مصاحبه با نایب رئیس کمیسیون وحدت رویه، تازه‌ترین آراء وحدت رویه، همچنین منتخبی از آراء وحدت رویه دیوان عدالت اداری و نظریات مشورتی اداره حقوقی از جمله این مطالبند.



شپوهنځي ګاونډي علوم او مطالعات فرېنجي
پرتال جامع علوم انساني

آشنایی با فعالیتهای کمیسیون وحدت رویه

اهمیت آگاهی از چند و چون برنامه‌ها و فعالیتهای کمیسیون پر اهمیت چون وحدت رویه، همکاران ارجمند را از یک سو با مشکلات کاری، شیوه‌های اجرایی و اقدامات ثمربخش این کمیسیون آشنا می‌کند و از دیگر سو این آگاهی موجب بازشناسی وظایف ما در بهینه‌سازی این نوع فعالیتها و... از طریق نقد و تبادل اندیشه‌ها به منظور ثمربخشی بهتر کارها می‌شود.

به همین منظور مصاحبه‌ای با جناب آقای محمد علی اختری، نایب رئیس کمیسیون وحدت رویه انجام دادیم که در پی درج می‌گردد. محمد علی اختری علاوه بر سردفتری اسناد رسمی دفتر ۱۲۲ تهران، سردبیر ماهنامه حقوقی کانون نیز می‌باشد. همچنین ایشان از اعضای هیأت نظارت بر انتخابات هیأت مدیره کانون در دی‌ماه ۸۰ بودند که ثمره ماهها فعالیت خالصانه ایشان و همکارانشان در هیأت مزبور به گونه‌ای بود که قدردانی و تحسین ریاست معظم قوه قضاییه حضرت آیت الله شاهرودی را به دنبال داشت.

آقای اختری همچنین نویسنده و پژوهشگری توانمند در حوزه ادبیات، تاریخ فقه، تاریخ معاصر و کهن ایران و... هستند که تاکنون گوشه‌هایی از آثار قلمی ایشان در همین ماهنامه بدست چاپ سپرده شده است.



شپوهنځي ګاونډي علوم او مطالعات فرېنجي
پر تال جامع علوم انساني

آشنایی با فعالیتهای کمیسیون وحدت رویه

مصاحبه با آقای محمد علی اختری، نایب رئیس کمیسیون

جناب آقای اختری، لطفاً در مورد اهداف تشکیل کمیسیون وحدت رویه برای خوانندگان مجله و همکاران توضیح بفرمایید.

□ به نام خدا، در آغاز تشکر می‌کنم از شما که زحمت کشیده و ترتیب انجام این مصاحبه را داده‌اید. اما در پاسخ سؤالتان باید عرض کنم اجرای مقررات مختلفی که در قوانین آمده و وظایفی که برای دفاتر اسناد رسمی در نظر گرفته شده روز به روز توسعه پیدا می‌کند، گوناگونی این وظایف و منشأ آنها باعث می‌شود که سردفتران اسناد رسمی در فهمیدن این دستورها و اجرا کردنش مواجه شوند با آراء مختلف.

در چهل - پنجاه سال پیش آن طور که من یادم هست مقررات خیلی ساده بود. حق‌الثبت یک نوع یا دو نوع بیشتر نداشتیم. انواع و اقسام مفاصا حسابها و رعایت قوانین مربوط به دارایی و شهرداری و این حرفها نبود، حتی استعلام ثبت هم نبود اشخاص می‌آمدند به محض مراجعه به دفاتر اسناد رسمی ظرف شاید نیم ساعت، یک ساعت کارشان انجام می‌شد و می‌رفتند، دفتر بازداشتی داشتیم که املاک بازداشتی را با بخشنامه اداره ثبت در آن می‌نوشتیم، در نتیجه اختلاف آراء چندان نداشتیم تا

اینکه کم کم این قوانین اضافه شد، وظایف دفاتر اسناد رسمی در قوانین مختلف، متفرق و با عبارتهای مختلف در زمانهای تصویب مختلف با دیدهای مختلف باعث شد که بعضی از همکاران ما در استنباط قوانین با یکدیگر اختلاف نظر پیدا بکنند.

تا آنجایی که من به یاد دارم اولین اختلاف نظر جدی که بین همکاران پیدا شد راجع به اجرای قانون تقسیم حق التحریر بین کارکنان بود که سال ۵۴ این قانون تصویب شد و همچنین درصدی که ما می‌گرفتیم و باید به کارکنان می‌دادیم و پولی که بابت بیمه سران دفاتر و دفتریارها می‌پرداختیم. این در قانون آمده بود ۶۰۰۰ تومان و در یک ماده دو بار ۶۰۰۰ تومان تکرار شده بود و این تکرار برای همکاران ما ابهامی را ایجاد کرده بود که سردفتر حداکثر پولی که بابت این درصدها باید بدهد اگر کمتر از ۶۰۰۰ تومان بشود، آن را باید بدهد، ولی اگر بیش از ۶۰۰۰ تومان شد در حد ۶۰۰۰ تومان باید بدهد و دلیلش را هم می‌آوردند و می‌گفتند که چون در قانون نوشته شده که سردفتر حداکثر حقوق بازنشستگی که می‌تواند بگیرد ۶۰۰۰ تومان است. خوب، این ابهام باعث شد همکاران ما جمع شدند در همین کتابخانه کانون سردفتران. عده زیادی از همکاران می‌آمدند، بحث می‌کردند، صحبت می‌کردند و این تشکیل اولیه شورای وحدت رویه سردفتران بود؛ ضمن اینکه این مسأله را بحث می‌کردیم، دوستان پیشنهاد کردند که بعضی از آقایان در عرض هفته اگر مشکلی یا استنباط ناجوری در دفاتر دارند بیایند در آن جلسه هفتگی مطرح بکنند و بعضی از پیشکسوتها که سوابق زیادی در این کار داشتند مثل جناب آقای ضیاء، سردفتر سابق ۳۵۳، جناب آقای بهبهانی، سردفتر سابق ۶۴، جناب آقای علومی، سردفتر ۳۰۰ و عده دیگری از همکارانمان... می‌آمدند و سؤالات مطرح و بحث می‌شد روی نظریات. آقایان آنجا جواب می‌دادند و اگر هم مسأله‌ای در همان جلسه جواب داده نمی‌شد می‌ماند برای هفته بعد که همکاران زحمت می‌کشیدند مقررات مربوطه را پیدا می‌کردند و می‌آوردند و روی آن مقررات و قوانین جواب می‌دادند و این بسیار کارگشا شد. تا اینکه بعد از مدتی یک جمع ۱۰ - ۱۵ نفره، رسید به آنجایی که نزدیک ۶۰ - ۷۰ نفر و گاهی اوقات ۱۰۰ نفر

می‌آمدند در آن جلسات شرکت می‌کردند. هدف هم همین حل اختلاف آراء بین همکاران بود؛ اختلاف استنباطی که همکاران ما در اجرای قوانین داشتند در مورد حق‌الثبتها. مخصوصاً بعد از این که قانون بانکداری اسلامی تصویب شد حق‌الثبتها از یک نوع یا دو نوع، حداکثر با گواهی امضاء سه نوع حق‌الثبت داشتیم یک دفعه رسید به ۱۳ - ۱۴ نوع حق‌الثبت.

در مورد اتومبیلها یک نوع، در مورد اسناد بانکی یک نوع، در مورد چهار میلیون و بالای چهار میلیون یک نوع دیگر، بالاخره همکاران ما هم که می‌آمدند مخصوصاً همکاران جدید، اغلبشان اطلاعی از بخشنامه‌ها و سوابق قبلی نداشتند، در مورد مفاصاحساب شهرداری، سطح شهر، پایان‌کار و... مقرراتی که بعداً پیدا شد اختلاف نظر ایجاد شد و هدف این کمیسیون این بود که این مسایل را حل کند البته قبل از قانون سال ۵۴ چنین چیزی نبود. در سال ۵۴ که قانون دفاقر اسناد رسمی را نوشتند آنجا تبصره ۲ ماده ۶۶ را اختصاص دادند به این موضوع، که این، همین جلسه‌ای بود که در کانون تشکیل شد تا اینجا که روزی بحث بر سر این شد که همکاران ما همه تصمیم گرفتند فقط آن ۶۰۰۰ تومان را به کانون بپردازند و اگر به فرض ۱۵ درصدشان یا آن درصدی که قرارداد بود پیش از کسر آنها ۶۰۰۰۰ ریال می‌شد اضافه را بپردازند و این، اختلافی شد بین همکاران شرکت‌کننده در جلسات و هیأت مدیره آن روز کانون که به عللی، دیگر آن جلسات تعطیل شد و ما از داشتن محل در کانون و بحث و مذاکره محروم شدیم. به ناچار همکاران ما رفتند ابتدا در دفتر جناب علومی (دفتر ۳۰۰) تشکیل جلسه دادند و بعد در جاهای دیگر...

ببخشید، آیا این جلسات با تأیید سازمان ثبت بود؟

نه، این جلسات با تأیید هیأت مدیره کانون سردفتران بود. رسمیت هم نداشت تا اینکه همکاران ما یک عده‌ای جمع شدند در دفتر جناب علومی و یک عده که با ایشان هم فکر نبودند در نمازخانه کانون و عده‌ای دیگر هم در بعضی از دفترخانه‌های

گوشه و کنار شهر می‌نشستند از جمله دفترخانه ۳۰۹ (دفتر جناب آقای محمدی خراسانی) جمع می‌شدند و کم‌کم در این جلسات بحث و مذاکره هفتگی و رفع اختلاف در واقع نوعی کمیسیون وحدت رویه آنجاها پا می‌گرفت.

اما [به صورت رسمی] برای اولین بار از طرف کانون سردفتران پس از تعطیلی آن جلسات در کتابخانه کانون یک هیأت سه نفره مشخص شدند به نام کمیسیون وحدت رویه که من از تصمیمات اینها هیچ اطلاعی ندارم. ظاهراً اداره ثبت هم نماینده‌ای نداشته است. اما اینکه آنها چه تصمیماتی گرفتند و آیا تصمیماتشان منتشر شد یا نه نیز اطلاعی ندارم. این وضع ادامه داشت تا اینکه جناب حاج آقا علیزاده ریاست معظم فعلی سازمان در سال ۷۸ در مراسم معارفه خویش که قبول این سمت را فرمودند، اولین بند سخنرانی‌شان در مورد اصلاحات مربوط به دفاتر اسناد رسمی بود، از جمله تشکیل همین کمیسیون وحدت رویه و انتخابات کانون و... که به محض اینکه مستقر شدند، آقای دکتر شیخ‌الرئیس ریاست محترم سابق هیأت مدیره کانون نامه‌ای نوشتند فکر می‌کنم ۷۸/۸/۲۵ بود که کانون آماده است برای تشکیل کمیسیون وحدت رویه، شما نماینده‌ای را از جانب خودتان معرفی بفرمایید...

ایشان هم جواب نامه را دادند و اشاره کردند که قانون صراحت ندارد که نماینده سازمان حضور داشته باشد. بنده خودم (اختری) هم معتقدم تبصره ۲ ماده ۶۶ حکایتی از این ندارد که حتماً نماینده سازمان ثبت حضور داشته باشد. به هر حال ایشان نماینده‌ای معرفی فرمودند و اولین جلسه کمیسیون وحدت رویه را در ۲۲ آذر سال ۷۸ تشکیل دادیم.

در آن جلسه آیین نامه اداره جلسه تنظیم شد و قرار شد دو هفته یک بار تشکیل جلسه بدهیم و بعد چون یکی دو جلسه گذشت و دیدیم که سؤالات زیاد است و دو هفته یک بار به انجام مطلوب کارها نمی‌رسیم بنا به پیشنهاد بعضی از دوستان جلسه را هفته‌ای یک بارش کردیم. در شماره ۲۴ مجله کانون تاریخچه مختصری راجع به این نوشتیم که تقریباً در عرض یک سال و نیم به اندازه ۳۸۰ رأی صادر کردیم.

ترکیب اعضا؟

□ در آغاز، ۶ نفر عضو کمیسیون وحدت رویه بودند: آقایان حیدری، علومی، بلاغی، سیروس و جناب یادگاری، (مدیر کل امور اسناد) و بنده. بعدها ما در مجله هم نوشتیم به علت قلت تعداد اعضاء، بعضی مواقع جلسات ما تشکیل نمی شد و به همین جهت درخواست کردیم از ریاست محترم هیأت مدیره کانون که ایشان هم از سازمان ثبت اجازه گرفتند و جناب جمشیدی هم به اعضای کمیسیون اضافه شدند و در همان اولین جلسه، انتخاباتی در مورد اداره خود کمیسیون وحدت رویه به عمل آمد که آقای بلاغی به عنوان رئیس و آقای سیروس به عنوان نایب رئیس انتخاب شدند.

تا اینکه هیأت مدیره کانون عوض شد (فکر می کنم در بهمن ۸۰) آن موقع دوباره برای ما ابلاغ شش ماهه صادر کردند و در این موقع آقای علومی و جمشیدی از عضویت کمیسیون کنار رفتند و به جای آنان آقایان قاسمی و آیت اللهی تشریف آوردند که الآن هم همین اعضاء هستند و آقای شهباززاده هم به جای آقای سیروس برگزیده شدند.

در انتخابات بعدی هم که در آن شش ماه انجام شد باز آقای بلاغی به عنوان رئیس و بنده هم به عنوان معاون انتخاب شدم. چون، آقای سیروس از جمع ما به اعضای هیأت مدیره پیوسته بودند و نمی توانستند در کمیسیون وحدت رویه شرکت کنند.

ایا این آیین نامه داخلی که فرمودید در همان جلسات اولیه تصویب شد، در اختیار بقیه قرار گرفت که مطلع باشند؟

□ نه، در اختیار بقیه قرار نگرفت بلکه در همان اولین جلسه ای که ما تشکیل دادیم در صورت جلسه به ثبت رسید و آنجا ما نحوه کار را مشخص کردیم. بدین نحو که سؤالاتی که می رسد، بیاید به دفتر کانون و کمیسیون وحدت رویه دفتری داشته باشد و نامه ها در آنجا به ثبت برسد و بعد آقای فرهی (از کارمندان کانون) به عنوان

منشی کمیسیون انتخاب شدند و قرار شد نامه‌ها و سؤالات را تکثیر کنند و در اختیار اعضای کمیسیون وحدت رویه قرار دهند. و این آقایان اعضاء ببرند یک هفته روی آن مطالعه کنند و احياناً مواد قانونی، کتابها و يا قوانينی راجع به آن مطالب به نظرشان می‌رسید بیاورند و هفته بعد به ترتیب شماره، مسئله را مطرح می‌کردیم و پاسخ لازم را می‌دادیم و صورت جلسه می‌شد و همه آن را امضاء می‌کردند و... و باز مقرر شد که این مفاد صورت جلسات را جناب بلاغی رئیس کمیسیون به کانون منعکس کنند و کانون هم به سازمان ثبت منعکس نمایند و آنها هم پس از تأیید برگردانند به کانون و کانون بخشنامه کند به سردفتران سراسر کشور...

پس، این طور که فرمودید، اولویت بندی سؤالات بدین صورت است که بر حسب

ثبت نقاضاها (تاریخ وصولشان) مورد بررسی قرار می‌دهید؟

□ بله، این گونه است.

به طور متوسط پاسخگویی به سؤالات چقدر زمان می‌برد؟

□ سؤالات واصله به یک اندازه مهم نیست، ولی به ترتیب شماره مطرح می‌شود.

گاهی بعضی از سؤالات در یک جلسه تمام نمی‌شد بلکه ۳ - ۴ جلسه طول

می‌کشید تا آن مسئله حل بشود. بعضی اوقات در یک جلسه تا ۱۰ سؤال هم جواب

می‌دادیم. چون گاه سؤالات بسیار ساده بود و بعضی هم اصلاً به کمیسیون ربطی

نداشت بعضی دیگر از سؤالات نیز هم اختلاف آراء در موردشان نه تنها بین سردفتران

بیرون از کمیسیون زیاد بود، بلکه بین اعضای کمیسیون هم اختلاف عقیده شدیدی

وجود داشت و بالاخره بحثهای زیادی می‌کردیم تا به نتیجه مطلوب می‌رسیدیم حالا

یا رد یا تأیید، آن را صورت جلسه می‌کردیم. ولی به طور متوسط در هر جلسه دست کم

شش سؤال را پاسخ می‌دادیم.

در مورد آرای که محل اختلاف بود، صدور رأی به صورت اقلیت - اکثریت بود؟
□ بله، در مورد بیشتر سؤالات پاسخ اکثریت مطلق داشتیم، در مواردی که اکثریت مطلق حاصل نمی‌شد، اقلیتی بود و اکثریتی، به هر حال نظر اکثریت را ثبت می‌کردیم. در بعضی موارد هم آقایانی که نظر اقلیت را داشتند، اصرار داشتند که نظرشان به عنوان اقلیت حتماً آنجا ثبت بشود. در یکی دو مورد هم نظر اقلیت در صورت جلسات ثبت شد ولی اکثر به همین منوال بود که عرض کردم.

به نظر جناب عالی پشتوانه و ضمانت اجرایی تصمیمات کمیسیون چیست؟

□ خوب، ببینید ما در همه دنیا از جمله در کشور خودمان مواردی را داریم که گاه آراء متناقض از بعضی مراجع صادر می‌شود، حالا این در سطح دادگاهها هست، در سطح ادارات هست، در خود سازمان ثبت هم هست؛ الآن هم که دیوان عدالت داریم. خوب، وقتی که اختلاف آراء باشد، باید یک مرجعی باشد که به این اختلاف آراء رسیدگی کند و آنچه را که با روح قانون بیشتر مطابقت دارد، آن را مشخص کند.

به نظر من آرای کمیسیون وحدت رویه، نوعی تصمیم قانونی است. چون در قانون، وظیفه کمیسیون وحدت رویه ذکر شده و این آراء هم به نظر من هیچ احتیاجی به تصویب سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ندارد و حتی نماینده آن هم لزومی ندارد که باشد؛ چون بحث، بحث سردفتران است و به سبب احترام متقابلی که بین مسؤولان سازمان، کانون و سران دفاتر هست، نماینده سازمان را خواستیم و با توجه به نظر ایشان که در اینجا رأی هم می‌دهند؛ به عقیده من دیگر تأیید مجدد سازمان لزومی ندارد. ولی حالا اداره ثبت هم هیأتی دارد، مسؤولین بالاتر و مدیران سازمان هم آنجا جمع می‌شوند و این آرای را که ما صادر می‌کنیم باز در موردشان بحث و مذاکره می‌کنند بعد به صورت تأییدیه برمی‌گردد؛ این آراء حکم قانون را دارد، مثل آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور و آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و یا آرای شورای عالی ثبت؛ این آراء ضمانت اجرایی دارد و در حکم قانون است.

این موضوع، با تأیید سازمان صرفاً برمی گردد به ماهیت تشکیل کمیسیون...

□ بله، قانوناً لزومی نداشته ولی چون احترام متقابل و صمیمی بین کانون و سازمان بوده و ما حتماً باید از نظریات مدیران ثبت هم مطلع باشیم، این طور صلاح دانستیم که اولاً یکی از اعضای عالی رتبه سازمان در این جلسات تشریف داشته باشند تا بدین وسیله از نظریات ایشان (مسئولان عالی رتبه ثبت) قبلاً اطلاع پیدا کنیم و بعد هم باز برود آنجا مورد بحث و مذاکره قرار بگیرد و به اصطلاح، این آراء چند بار بازبینی بشود که ان شاء الله در اجرایش دیگر مشکلی پیش نیاید.

اگر چه با وجود آن، بعضی آرای ما در اجرا اشکالاتی پیدا کرده که در ضمن همین مباحث به آن اشاره خواهم کرد. از جمله رأیی که درباره مالی بودن واگذاری فیشهای حج و تعلق حق الثبت به آن که مورد اعتراض قرار گرفت.

اگر این آراء احياناً ایراد و اشکالی داشته باشد، مرجع اعتراض کجا می تواند باشد؟

□ طبق مفاد صریح قانون (بند ۲ ماده ۶۶) آرای کمیسیون وحدت رویه برای همه سردفتران و سازمان ثبت و دادگاه انتظامی قابل اتباع است و از این جهت اگر کسی در مورد آن اعتراضی داشته باشد، مثل سایر قوانین اداری باید به دیوان عدالت اداری مراجعه کند و دادخواست بدهد و رأی را باطل کند و تا رأی به ابطال آن صادر نشده به اعتبار خود باقی است و اجرای آنها لازم.

آیا در سابقه عملکردی که کمیسیون داشته، محدودیتها و نقاط ضعفی را هم احساس کرده است؟

□ بله، هنوز هم که تعداد اعضای کمیسیون وحدت رویه به اتفاق جناب یادگاری بالغ بر هفت نفر است، تعداد اعضا را کم می دانیم و یکی از نقاط ضعف ما همین است

که گاهی اوقات یکی دو نفر از اعضا نمی‌رسند شرکت کنند. همچنین اگر از سایر استادان و حقوقدانان بخصوص از سازمان ثبت یکی دو نفر بیشتر شرکت بکنند، این موضوع بسیار کار کمیسیون وحدت رویه را تسهیل می‌کند چون گاهی اوقات مثلاً جناب یادگاری برنامه و مشکلی در سازمان دارند و تشریف نمی‌آورند، ما هم به سبب احترامی که برای ایشان قائلیم اصولاً روزی که ایشان نمی‌آیند، تشکیل جلسه نمی‌دهیم، ولی اگر نمایندگان سازمان فرضاً دو یا سه نفر باشند، هنگامی که یکی از آنها گرفتاری داشته باشد و در جلسه شرکت نکند کمیسیون تعطیل نخواهد شد.

نکته دیگر آنکه با عضویت یکی دو نفر دیگر از مدیران سازمان در کمیسیون وحدت رویه - این بحثی که بعداً بین مدیران در آنجا می‌شود، همین جا برای (تسهیل و تسریع کار) انجام بشود؛ و بعد هم بلافاصله اعلام شود به سازمان ثبت و دیگر نیازی به بررسی در جلسه مدیران ثبت نداشته باشد.

از مشکلات دیگری که الآن ما داریم یکی هم این است که الآن در عرض این دو سال و اندی نزدیک به ۶۰۰ رأی صادر کرده‌ایم و سؤالات را جواب داده‌ایم و از اینها حدود هفتاد رأی (تقریباً یک دهم سؤالات مطرح شده و پاسخ داده شده) از سازمان تأیید شده و آمده است البته همه این ۶۰۰ سؤال مطرح شده منجر به صدور رأی نشده، و بسیاری از سؤالات تکراری بوده است، به سبب اینکه این رأی‌ها به سازمان می‌رود و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و تا ابلاغ شود طول می‌کشد و ثانیاً بسیاری از سؤالات هنوز آنجا مانده و جواب نداده‌اند. این است که همکاران ما دوباره همان سؤالات را می‌پرسند و در هر جلسه‌ای در حدود ۴ سؤال تکراری داریم.

همچنین، بسیاری از سؤالاتی که همکاران ما می‌پرسند (مخصوصاً در شهرستانها) ارتباطی به کمیسیون وحدت رویه ندارد. آقایان توجه ندارند که وظیفه کمیسیون وحدت رویه چیست، کمیسیون وحدت رویه در مواردی که در اجرای یک امر بین همکاران ما رویه‌های مختلفی وجود دارد، وظیفه‌اش این است که از این رویه‌های

مختلف یکی را انتخاب کند و به صورت مستدل اعلام کند و بقیه هم فقط تبعیت کنند از آن رأی. مثلاً پیشنهاد می‌کنند که قانون ثبت این طوری بشود، بهتر است اثر انگشت با امضاء توأم باشد و یا عدم خلاقی مدتش یک ماه بشود... خوب، اینها کار کمیسیون وحدت رویه نیست اینها باید به سازمان ثبت ارجاع بشود و نواقص آنجا بررسی بشود و قانون را اصلاح کنند و...

از نقاط ضعف کمیسیون، یکی هم اینکه همکاران ما مخصوصاً در شهرستانها گاه سؤالاتی را مطرح می‌کنند که اصلاً صلاح نیست این سؤالات مطرح شود. وقتی این سؤالات به کمیسیون می‌رسد، ما به ناچار درباره آن بحث می‌کنیم و جواب می‌دهیم که همان خودش مشکل ایجاد می‌کند، برای نمونه مثلاً یکی از همکاران شهرستانی ما سؤال کرده بود در اسناد وکالت جامع بدون ذکر پلاک، آیا اگر بعضی پلاکها در رهن بانک باشد، اشکالی پیدا می‌کند؟

خوب، تا آن موقع این اسنادی که در رهن بانک بود، همکاران ما همه وکالت می‌نوشتند که وکیل باید برود فک رهن بکند و بعد هم بفروشد و هیچ کسی هم اعتراضی نداشت، مشکلی هم ایجاد نمی‌شد، ولی با سؤال این همکار، ما هم نوشتیم که نوشتن چنین وکالتی با ذکر آنکه به استثنای اتومبیل و ماشین آلات راهسازی که مشمول مالیات نقل و انتقال است یا آن اسناد زمینی که نمی‌شد انتقال داد، اشکالی ندارد. این رأی را ما دادیم. همین، رفت در سازمان و مورد بحث قرار گرفت و این دوست عزیز ما البته تنها از ما سؤال نکرده بود و عین آن نامه را به مدیران ثبت هم داده بود. مدیران ثبت هم نظریه خودشان را الحاق کردند به نظریه کمیسیون و در آنجا نوشتند که نوشتن چنین وکالت‌نامه‌هایی با قید اینکه به استثنای اتومبیل و اسنادی که در رهن بانک است... این موجب اشکال شد و بانک مسکن هم از این موقعیت استفاده کرد و بسیاری از دفاتر اسناد رسمی را در اصفهان، ارومیه، و شمال کشور تحت تعقیب قرار داد و ما هم هر چه به سازمان گفتیم که این رأی را کمیسیون نداده است، بیان می‌داشتند درست است که شما این رأی را نداده‌اید ولی نظر مشورتی مدیران سازمان

این بوده و در آنجا گنجانده‌اند. حال اگر این دوست ما چنین سؤالی نمی‌کرد و ما هم چنین جوابی نمی‌دادیم، همین طور موضوع سر بسته مانده بود و اشکالی هم ایجاد نمی‌کرد اما اکنون که دیگر بخشنامه شده است متأسفانه همکاران ما گرفتار شده‌اند. این موضوع موجب اعتراض عده زیادی از همکاران شده است.

همچنین گاهی اوقات همکاران ما کمیسیون وحدت رویه را با کلاس درس، آموزشگاه و یا دانشکده حقوق اشتباه می‌گیرند مثلاً گاه سؤالاتی می‌کنند که با مراجعه به مثلاً قانون ثبت و یا قانون مالیاتها، و زمین شهری به راحتی قابل حل است و پاسخ خود را در کوتاه‌ترین زمان می‌گیرند. اینها خودشان را راحت کرده‌اند و گاه ۱۵ یا ۲۰ سؤال را می‌نویسند که آقا تکلیف ما در آن چیست؟! خوب، این وقت ما را می‌گیرد، حال آنکه تکلیف شما را فلان ماده روشن کرده. این قسمت نیز از نقاط ضعفی است که کمیسیون وحدت رویه دارد که ان شاء الله امیدواریم آنچه مربوط به سازمان (همچون اضافه کردن نمایندگان) می‌شود و نیز آنچه مربوط به ماست حل بشود و ما در کوتاه‌ترین زمان بتوانیم پاسخها را بدهیم. هم اکنون ما ۶ ماه از برنامه خود عقبیم، یعنی سؤالاتی که ۶ ماه قبل رسیده است، الآن داریم درباره‌اش بحث و بررسی می‌کنیم.

در میان صحبت‌هایتان اشاره کردید که کمیسیون ۶۰۰ رأی صادر کرده، آیا کمیسیون واقعاً ۶۰۰ رأی صادر کرده است؟

□ نه، عرض کردم سؤالاتی که رسیده تقریباً ۶۰۰ تا بوده و همه اینها هم در کمیسیون خوانده شده و ما آنچه را که باید در موردش رأی صادر می‌کردیم، انجام داده‌ایم و به سازمان اعلام کرده‌ایم و آنچه قابل طرح نبوده، نوشته‌ایم که قابل طرح در کمیسیون نیست، مثلاً کسی می‌گوید شناسنامه‌ها چگونه باشد یا ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی درباره رشد متعاملین بهتر است این طور باشد... اینها اصلاً قابل طرح نیست موارد دیگری هم هست که گفته‌ایم تکلیف شما را فلان قانون و فلان ماده روشن کرده

است یا بسیاری از سؤالات بر اعضای کمیسیون مبهم بوده و ما به ناچار مکاتبه کرده‌ایم و از دفترخانه خواسته‌ایم که صریح و دقیق بنویسد چه مشکلی دارد؛ به این صورت بوده است نه اینکه واقعاً ۶۰۰ رأی صادر کرده باشیم؛ ۶۰۰ سؤال رسیده و ما همه اینها را به نحوی جواب داده‌ایم اما همه‌اش متضمن رأی وحدت رویه نبوده است.

چرا آراء را زودتر به دفاتر نمی‌فرستید و آنها را نکه می‌دارید و مثلاً ۲۰ یا ۳۰ مورد را با هم به دفترخانه‌ها می‌دهید؟

□ خوب، این مشکل دیگر از کمیسیون وحدت رویه نیست. ما آراء صادره هر جلسه‌ای را که تشکیل می‌شود بلافاصله به کانون اعلام می‌کنیم و کانون هم به سازمان اعلام می‌کند حالا این سازمان است که جمع می‌کند و... یادم هست در یک نامه ۱۸ رأی را تأیید کرده و فرستاده بود.

در مورد تصمیمات، آثار عملی و نقاط برجسته کار کمیسیون بفرمایید؟

□ عرض کنم اینکه خدمتتان می‌گویم حمل بر خودستایی و تعریف از کمیسیون نباشد، بنا به فرمایش ریاست معظم سازمان و مدیران ثبت، آرای کمیسیون وحدت رویه بسیار کارگشا بوده، هم برای دفاتر، هم برای سازمان و هم برای دادگاه انتظامی. گاهی اوقات شده است که از خود اداره کل امور اسناد که مرجع حل و فصل سؤالات سران دفاتر است به کمیسیون وحدت رویه سؤال می‌آید، از دادگاه انتظامی سردفتران سؤال می‌آید. حالا آرای که ما صادر کرده‌ایم تا آنجایی که من به نظرم می‌آید و کارگشا بوده، یکی مثلاً در مورد قیمت اتومبیلها وقتی که قانون جدید تصویب شد که حق‌الثبت اتومبیلها براساس اعلام جدول اعلامی دارایی باشد نه مبلغ مندرج در سند (فیکس) و ما سند اتومبیلها را به قیمت خیلی پایین می‌نوشتیم و نقل و انتقال و حق‌الثبت را هم براساس اعلام دارایی می‌گرفتیم خوب بعد بعضی از دفترپاران و کارکنان دفاتر اسناد رسمی و از جمله خود کانون چون مبلغ سند را که ما می‌نوشتیم

حق التحریر وصولی براساس مبلغ مندرج در سند بود ولی حق الثبت نقل و انتقال براساس جدول دارایی، آقایان اعتراض کردند که با این عملی که سردفتران انجام می دهند سهم ما، درصدهایی که ما می گیریم کم می شود و این را به سازمان ثبت منتقل کردند. جناب علیزاده بخشنامه ای فرمودند به این عنوان که شما سندهای اتموبیل را به حد قیمت متعارف بنویسید. خوب بعد در اجرا ماندیم که قیمت متعارف چقدر است. خود سازمان هم در این قضیه ماند، بعد سفارش فرمودند در کمیسیون وحدت رویه این را شما حل کنید. البته قبلاً هماهنگی شد و... ما گفتیم یک سوم قیمت اعلامی دارایی را قیمت متعارف می شود گفت و در این مورد، هم اداره ثبت از مشکل راحت شد و هم ما که البته بعداً هم جناب علیزاده باز آن بخشنامه را اصلاح فرمودند که نه، همان بر اساس جدول بنویسید که آن دیگر چون در بخشنامه آمد، دیگر مشکل حل شد.

همچنین یک رأی صادر کردیم که خیلی کارساز بوده؛ بسیاری از دفاتر اسناد رسمی جدید سؤال می کردند که آقا ملکی را شخصی می خرد و هم زمان در رهن بانک قرار می دهد و آن فروشنده هم ملک را در آن زمان تحویل نمی دهد و متعهد می شود که مثلاً چند ماه دیگر تحویل بدهد. از آن طرف چون سند رهنی تنظیم می شد و ملک باید به رهن بانک می رفت باید قبض اقباض به عمل می آمد یعنی بانک اقرار به تصرف می کرد و اگر خریدار متصرف نبود قبض اقباض بانک هم به عمل نمی آمد. این مشکل ایجاد شده بود و این از آن پرسشهایی بود که سه جلسه وقت ما را گرفت و ما بالاخره با مطالعات قوانین، بخشنامه ها و حتی متون فقهی به این نتیجه رسیدیم که آن قبض اقباض معتبر در رهن به منزله تصرف فیزیکی نیست و آمدیم این رأی را دادیم و گفتیم قبض اقباض آنجا به معنی استیلا است چون آن خریدار، ملک را که می خرد درست است عملاً تصرف نکرده ولی استیلا پیدا کرده و می تواند ملکش را بفروشد یا می تواند هرکاری بکند. منظور از قبض اقباض معتبر در رهن، آن استیلا است و به معنای تصرف فیزیکی نیست که خوشبختانه مشکل حل شد و رفت سازمان هم تأیید شد.

یکی دیگر از آرایه‌هایی که ما صادر کردیم و بسیار کارساز بود عدم تعلق مالیات نقل و انتقال خودرو به اشخاصی بود که با وکالت به نام خودشان (وکیل) می‌کردند. ما استدلالمان این بود که شخص یک بار مالیات نقل و انتقال این آقای وکیل را داده و الان هم که به دیگری نمی‌فروشد باز هم به نام خودش می‌شود. این مخالف روح قانون است که برای یک معامله دوبار مالیات بدهند و ما رأی دادیم و خوشبختانه مورد تأیید دارایی هم قرار گرفت و سازمان هم به همه بخشنامه کرد.



محمد علی اکثری، نایب رئیس کمیسیون وحدت رویه

رای مهم دیگری که ما دادیم درباره عدم خلافی بود؛ عدم خلافی بیست روز بود که در سراسر کشور بعضی از همکاران از شهرستانها سؤال می‌کردند که آقا تا این اشخاص بروند و خلافی بگیرند، بیاورند و معامله انجام بدهند و... بیست روز تمام می‌شود و مشکلاتی داریم و... بالاخره ما باز رای دادیم بنا به استنباط از بسیاری از موارد مشابه که استعلامها را اعتبارش را یک ماه قرار دادند. و ما این را موکول کردیم به اجازه اداره شماره‌گذاری و خوشبختانه با آنها مکاتبه شد، آنها هم موافقت کردند و رسماً هم در مجله اعلام کردیم که اعتبار عدم خلافی یک ماه است.

رای مهم دیگری که ما صادر کردیم و بسیار کارساز نیز بود مسأله نظام وظیفه بود. چون در اسنادی که می‌آوردند مخصوصاً وکالت‌های اتومبیل، وکالت‌های توکیلی و... می‌آوردند که طرف ۱۰ سال قبل، ۵ سال قبل شخصی آمده بود وکالت فروش اتومبیل داده بود و رفته بود، معلوم هم نیست کجاست و این درست است که طبق بخشنامه سازمان ثبت احوال ما فتوکپی شناسنامه او را لازم نداشتیم، ولی طبق ماده ۱۰ قانون نظام وظیفه حتماً باید ورقه خدمت این شخص را می‌دیدیم و تصویرش را هم جزو مدارک می‌گذاشتیم و این موضوع موجب شکل‌گیری سؤالات بسیاری در این مورد شد و ما در کمیسیون رای دادیم اگر سند رسمی که ارائه می‌دهند شماره ورقه خدمت و یا معافی آن موکل یا آن فروشنده قبلی در سند ذکر شده باشد و آن همکار ما این مسئله را با ذکر شماره در سند بعدی احراز کرده باشد، دیگر نیازی به دیدن اصل ورقه نظام وظیفه موکلها نیست و این هم بسیار برای همکاران ما کارساز بود. موضوع دیگری هم که خیلی مهم بود و همکاران شهرستانی ما مخصوصاً می‌پرسیدند (هنوز هم می‌پرسند) که آیا برای بقای اعتبار وکالتنامه استعلام لازم است یا نه و ما جواب دادیم که در هیچ یک از مقررات مربوطه وظیفه‌ای برای دفاتر اسناد رسمی مشخص نشده که از وکالت استعلام بکنند. حالا یک وقت سردفتر شکی دارد نسبت به اصل وکالت، مثلاً می‌تواند سؤال کند ولی اجباری نیست. اتفاقاً در این مورد هم دو تا حکم صادر شده بود یک حکم سردفتر را محکوم کرده بود به اینکه چرا سؤال کردی ماجرایش این بوده که

آقایی می‌رود استعلامی از بندرعباس می‌گیرد می‌آورد و تا جواب استعلام را بیاورد معامله‌ای که داشته، از دستش می‌رود و متضرر می‌شود و این شخص می‌رود از سردفتر شکایت می‌کند به دادگاه عمومی و همچنین به دادگاه انتظامی ثبت که در اثر استعلام این سردفتر و گذشتن وقت به من ضرر خورده و این سردفتر محکوم می‌شود. رأی خلافت هم صادر شده بود. باز در دادگاه یک سردفتری را به علت اینکه استعلام نکرده محکومش کرده بودند بالاخره اینها آمدند اینجا ما رأی دادیم که هیچ لزومی ندارد و خوشبختانه این رأی هم مورد تأیید قرار گرفت و این موضوع هم تمام شد.

(آقای سعیدی، مدیر مسؤول مجله و عضو اصلی سابق دادگاه بدوی): البته لازم است که من این را توضیح بدهم که ما چنین رأیی در دادگاه ندادیم سردفتری در اطراف میدان آرژانتین استعلامی کرده بودند. به هر حال آن آقا آمده بود شکایتی کرده بود و جالب بود اداره ثبت نوشته بود به دفترخانه که مجوزتان را برای استعلام به ما بدهید و ما همین را براءت دادیم به خاطر اینکه چنین مجوزی نبود. بعدها بازرسی به یک دفترخانه دیگر رفته بود و مجدداً آن مجوزی که شما برای عدم استعلام داده بودید به استناد آن بعد ما این را براءت دادیم. تا زمانی که من عضو دادگاه بودم در این مورد محکومیتی نداشتیم...

(آقای اختری) البته شاید رأی از طریق دادگاه عمومی بوده...

یکی دیگر از آنها که مهم‌تر است این است که ما رأی در مورد پایان ساختمان صادر کردیم چرا که زمان آقای کرباسچی به بعد این طور رسم شده بود که زیر پایان کارها می‌نوشتند: اعتبار پایان کار یک ماه است. بعد نوشتند شش ماه، بعد هم یکسال و این خیلی دردسر ایجاد کرده بود هم برای دفاتر و هم برای ارباب رجوع و هم برای شهرداری... و اینجا از ما سؤال کردند و ما گفتیم تبصره ۸ ماده ۱۰۰ اطلاق دارد و پایان کار اعتبارش دائمی است و نمی‌شود به مدت معینی محدود باشد و این رأی را صادر کردیم و رفت مورد اعتراض شهرداری قرار گرفت. شهرداری به کانون نامه نوشت که به خاطر اینکه بعضی اشخاص بدهکارند و یا ملاحظاتی دیگر، ما پایان کار را

به اینها می‌دهیم که اینها بروند مقدمات تفکیک را آماده کنند و آنجا مدت قرار می‌دهیم و یا می‌نویسیم که برای معاملات قطعی اعتباری ندارد و از این جهت رأی را آوردند که تجدید بررسی کنید و ما هم دوباره بر رأی خود اصرار کردیم که اگر شهرداری طلبی از اشخاص دارد می‌تواند برود ملک شخص را به عنوان رهن بردارد، وثیقه بردارد... چرا ملک مردم را بازداشت می‌کند؟! چون نوشتن اینکه مثلاً این پایان کار برای انجام معامله قطعی اعتباری ندارد، نوعی بازداشت مال مردم است و هیچ کس به شهرداری اجازه نداده که وقتی طلبکار است ملک مردم را بازداشت کند. برای بازداشت باید برود دادگاه حکم بگیرد. خلاصه، این اصرار در رأی باعث شد که در شهرداری پذیرفته شود و نه تنها این مشکل از دفاتر برداشته شد، بلکه دستور هم دادند در پایان کارهایی که اخیراً صادر می‌شود آن مدت را نامحدود اعلام کردند.

(آقای سعیدی): البته از میان کارهای بسیار ارزنده کمیسیون وحدت رویه یکی هم وصول حق الثبت برای انتقال اجرایی بود که واقعاً شاهد داریم که بعضی همکاران حتی خانه و ماشین خود را فروختند و بابت این موضوع ضرر دادند.

اکنون موضوعی دیگر، در بند ۲ نوشته شده است که ایجاد وحدت رویه در جهت اجرای مقررات و نظامات در دفاتر اسناد رسمی با تأیید سازمان ثبت... یک مورد از آرای شما نیز در مورد سؤالی بود که اداره ثبت اسناد مهاباد از شما پرسیده بود و نسبت به آن جواب داده بودید، آیا کمیسیون می‌تواند به مسائلی که در دیگر ادارات مطرح است جواب بدهد؟ اداره ثبت مهاباد که دفترخانه نیست؟

□ نه، تا آنجا که من به یاد دارم اداره ثبت مهاباد هم سؤالی کرده بود دربارهٔ وظیفهٔ دفاتر اسناد رسمی و عملی که دفاتر در مهاباد انجام می‌دهند و الا دربارهٔ کار ثبت نبود؛ اختلافی داشتند با بعضی از دفاتر اسناد رسمی آن شهرستان. همان طور که عرض کردم گاهی اوقات دادگاه انتظامی، امور اسناد، ادارات ثبت شهرستانها و... سؤالاتی می‌کردند که اینها خوشبختانه بسیار کارساز هم بوده و مشکلاتی را برطرف

کرده است.

آیا کمیسیون می‌تواند آراء اصراری صادر کند، مثلاً در مورد همان مطلبی که دربارهٔ وکالت فرمودید. اگر دفترخانه دیگری هم این سؤال را از کمیسیون بپرسد، کمیسیون می‌تواند رأی اصراری بدهد؟

□ نه، ما که رأی اصراری نمی‌دهیم چون در زمینه وظایف کمیسیون وحدت رویه آیین‌نامه‌ای خاص وجود ندارد. ما همان آیین‌نامهٔ اداره جلسات را تصویب کرده‌ایم و این هم که عرض کردم به رأی خودمان اصرار کردیم، یعنی حاضر نشدیم در رأی خودمان تجدیدنظر کنیم و گفتیم که رأی همان است که داده‌ایم و گرنه اینکه دوباره موضوع مطرح بشود و بحث و مذاکره صورت بگیرد و همانند دادگاهها که رأی اصراری می‌دهند و می‌رود دیوان کشور و برمی‌گردد؛ نه، به آن صورت نبوده، آقایان آمده‌اند و گفته‌اند این رأی مورد اعتراض بوده، اعضای کمیسیون هم گفته‌اند که دلایل مان محکم است و از رأی خودمان بر نمی‌گردیم. اصلاً بحث هم نکردیم، حتی ثبت دفتر هم نکردیم و ردش کردیم.

شما به برخی محدودیتها و نقاط ضعف اشاره کردید، آیا در جهت بهبود و تسهیل امور کمیسیون هم پیشنهاد خاصی دارید؟

□ خوب، من اینها را عرض کردم که ریاست محترم سازمان عنایت بفرمایند و تعداد اعضاء بخصوص نمایندگان ثبت را اضافه بکنند که اگر مشکلی برای یکی از اعضاء پیش بیاید (چون الآن نماینده سازمان فقط یک نفر است و اگر ایشان نتوانند تشریف بیاورند به سبب احترام ما نسبت به ایشان اصلاً تشکیل جلسه نمی‌دهیم) جلسه تشکیل بشود. می‌دانید، چون ما اگر رأیی صادر کنیم که ایشان موافق نباشد، آنجا مورد تأیید قرار نخواهد گرفت از این جهت این موضوع موجب تأخیر در کارها می‌شود پس برای تسهیل در کار بهتر است ریاست محترم سازمان به اعضایشان اضافه کنند.

پیشنهاد دیگر بنده این است که کانون و سازمان ثبت اجازه بدهند از نظریات حقوقدانان بزرگ و آنهایی که در جامعه علمی کشور سرشناس و برجسته هستند دعوت بکنیم که بیایند و من باب راهنمایی ما در جلسات شرکت کنند، البته بدون داشتن حق رأی. چون بعضی مسایلی که مطرح می‌شود، احتیاج به اطلاعات حقوقی جامع و بسیار بالایی - به جز حقوق ثبت - دارد که اگر آن آقایان ما را راهنمایی کنند و اشکالات پیامدهای نامطلوب احتمالی را گوشزد کنند، تصمیمات ما مستدل‌تر و عملی‌تر خواهد بود.



تصویری از جلسه مصاحبه با نایب رئیس کمیسیون وحدت رویه

جناب اختری، آیا شما موافقید نمونه‌ای از آرایه‌ی که صادر می‌کنید به دادگاه بدوی، دادگاه تجدیدنظر، بازرسیهای ثبت و امور اسناد نیز مجدداً ارسال کنید که آنها مد نظر قرار دهند؟

□ بله، این مستلزم اصلاح آیین‌نامه‌ای است که در جلسه اول تصویب کردیم. آنجا ذکر می‌شود که این مسئله نشده اما آورده‌ایم که به کانون سردفتران منعکس شود و بعد، از طریق کانون به سازمان ثبت و پس از تأیید سازمان باز آراء به وسیله کانون به دفاتر بخشنامه بشود.

از پیشنهادهای دیگر من این است که این آراء را خود سازمان ثبت به جای کانون سردفتران بخشنامه کند. چون اعتبار بیشتری دارد و به هر حال کانون یک تشکل صنفی است. سازمان می‌تواند به دادگاهها، بازرسیها و بعضی مراجعی که در ارتباط هست بفرستد.

در رابطه با همین موضوع، یک سؤال هم هست و آن اینکه چگونه است که دو سه مورد از آراء از طریق اداره کل ثبت تهران بخشنامه شده؟

□ بله، این طور بوده و من آن را دیده‌ام و البته گویا آقایان تذکر داده‌اند که این برخلاف آیین‌نامه مصوب کمیسیون وحدت رویه است و تنها کانون باید بخشنامه کند.

توقع شما از همکاران چیست؟

□ توقع ما از همکارانمان این است که اولاً این آراء صادره را بخوانند، شاید پاسخ پرسشهایشان در آنجا باشد. دیگر آنکه سؤالی که مطرح می‌کنند از آن دست سؤالاتی باشد که حتماً بین دو یا چند نفر سردفتر مورد اختلاف باشد نه اینکه احیاناً مسئله‌ای که بر هیچ کس روشن نیست و یا برای بهبود کار صلاح می‌دانند این طور یا آن طور بشود، پیشنهاد اصلاحی بفرستند؛ چون اینها وقت‌گیر است و از آنجا که سؤالات را در کمیسیون به ترتیب تاریخ وصولشان پاسخ می‌دهیم بسیاری از وقت ما هدر می‌رود و

از بررسی آن سؤالات اصلی باز می‌مانیم.

یکی هم اینکه انتظار داریم دوستان ما بیشتر از اینها در مورد آرای که صادر می‌کنیم توجه نشان دهند و نقد بکنند و مشکلات را بازگو کنند. در طی این مدت کار کمیسیون، ۲ - ۳ مورد بیشتر نداریم که آراء نقد شده باشد. نقد و بررسیها باید بیشتر بشود چرا که معتقدم هنوز کار ما بسیار ناقص است و نیاز داریم که دوستان ما در بیرون از کمیسیون اشتباهات ما را گوشزد بکنند و این روش اصلاح بشود که ان شاء الله روز به روز نتیجه بهتری داشته باشد.

اگر کسی به نقصی در آراء به صورت مستدل اشاره کند آیا این موضوع در

آیین‌نامه شما پیش بینی شده است؟

□ هیچ مانعی ندارد که ما دوباره بر روی یک رأی بحث و مذاکره کنیم و از نظر خودمان برگردیم و هیچ منعی هم نشده است. چیزی هم که در قانون منع نشده، اصل بر اباحه است و ما چنین چیزی نداریم که رأی ما قابل تجدیدنظر نیست.

جناب اختری، کمیسیون چه اجباری دارد که به تک تک سؤالات پاسخ بدهد

سؤالی که شما در جوابش می‌نویسید که پاسخ در فلان بخشنامه یا ماده قانونی آمده است چرا باید در جلسه مطرح شود و وقت هدر برود و...

□ شما تذکر بجایی فرمودید، به نظر من باید در کانون یک نفر که وارد به این کارها باشد، مسؤول باشد و این سؤالاتی که می‌آید ببیند و قبلاً مطالعه کند که آیا این پرسش در حیطه وظایف کمیسیون هست یا نه و سپس آن را جزو کارهای کمیسیون بگذارد. ولی اکنون به محض اینکه سؤالی می‌رسد می‌نویسند که در کمیسیون مطرح شود و چون دستور ریاست کانون است ما ناچاریم آن پرسش را بخوانیم و درباره‌اش بحث کنیم؛ نخوانده که نمی‌توان متوجه شد به کار کمیسیون مربوط است یا نه، و وقتی آن سؤال را می‌خوانیم دست کم این بحث پیش می‌آید که یکی می‌گوید قابل طرح در

کمیسیون هست دیگری می‌گوید نیست پس بالاخره وقت ما گرفته می‌شود و راه حل آن هم این است که اینها را جدا کنند و نفرستند کمیسیون.

از پاسخ گویی به سؤالات ما و حضور صمیمی‌تان در این مصاحبه تشکر و قدردانی می‌کنیم و آرزوی موفقیت برای جناب عالی و دیگر اعضای کمیسیون وحدت‌رویه می‌نماییم.

□ من هم از توجهی که به مسائل کمیسیون وحدت‌رویه نشان داده‌اید و برای این موضوع وقت اختصاص داده‌اید، تشکر می‌کنم.



شعبه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی